

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال کلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

ایسکرا

۳۵۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

۲۳ اسفند ۱۳۸۵، ۱۴ مارس ۲۰۰۷ چهارشنبه ها منتشر میشود

سر دبیر: عبدال کلپریان abdolgolparian@yahoo.com

معلمان خرم آباد با شعار سوسیالیسم پیاخیز برای رفع تبعیض

صفحه ۵



۸ مارس امسال ادامه ۱۶ آذر سرخ بود

از دو زاویه مهم بود. یکی اینکه راست جامعه را بیش از پیش منزوی کرد و دوم اینکه اعتماد به نفس چپ را بالا برد و راه آلترناتیو شدن سوسیالیسم و جامعه سوسیالیستی را هموارتر کرد. سرود انترناسیونال و دیگر سرودهای مترقی جای سرود ای ایران را گرفت و شخصیت‌های رادیکال و کمونیست در میان مردم محبوبیت و اعتبار بیشتری پیدا کردند. شخصیت‌های دوم خردادی و دیگر جریان‌های ملی مذهبی یکی



محمد آسنگران

بعد از ۱۶ آذر سرخ، در روز جهانی زن مخصوصاً هنگامی که با اعتراض و تجمع هزاران نفره معلمان همزمان شد، جنبش برابری طلبانه و سوسیالیستی در ایران یک قدم جدی دیگر به جلو برداشت. هنگامی که در ۱۶ آذر پرچم سرخ و شعارهای سوسیالیستی بالا رفت

مراسم باشکوه روز جهانی زن در سردشت برگزار شد

صفحه ۳

تحصن کارگران اهراجی چندین کارخانه سندج در مقابل استانداری

صفحه ۳

کارگران نساجی کردستان در مقابل اداره کار تجمع و به طرف استانداری راهپیمایی

صفحه ۳

کارگران "نساجی کردستان" همراه با خانواده‌هایشان در مقابل در استان تجمع

صفحه ۴

۲۰۰۰ نفر از معلمان کرمانشاه در تجمع روز سه شنبه

صفحه ۴

در مورد نقض مکرر موازین حزبی توسط رفقای فراکسیون

صفحه ۶

تجمع کارگران نساجی کردستان در مقابل اداره روابط کار استان

صفحه ۶

بهار تنها کسی نبود که تریک گفت!

کمپین من از مذهب روی برگردانده ام و تکلان اجتماعی بزرگ در آلمان

صفحه ۷

نیروهای سرکوب مانع تجمع امروز معلمان در تهران شدند

صفحه ۸

دو نفر از بازداشتیهای ۸ مارس سندج دست به اعتصاب غذا زده اند

صفحه ۸

علیه وضعیت موجود شعری از عابد توانچه

صفحه ۸

فقر، کیهان شریعتمداری، حزب کمونیست کارگری

khani@live.nl



بهمن خانی

نوشته زیر قسمتهایی از مطلبی است که در روزنامه کیهان شریعتمداری بتاريخ ۲۴ ژانویه ۲۰۰۷ چاپ شده است به خاطر لطفی که کیهان شریعتمداری به ما دارد، من هم آنرا بی جواب نمیگذارم، در ضمن شریعتمداری خیلی نکات دیگر از حزب کمونیست کارگری را عامدانه مخفی نگاه داشته است، که من آنها را هم به

ایشان یادآوری میکنم، و تحت رهبری «منصور حکمت» حزب کمونیست کارگری و به عبارت دیگر «چپ آمریکایی» را ایجاد کردند. این گروهک یک رادیوی ماهواره ای به نام «راديو انترناسیونال» و یک فرستنده ماهواره ای تلویزیونی به نام «کانال جدید» در لندن راه انداخت و افزون بر آن چندین مجله و نشریه برای گروه

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

۸ مارس امسال ...

چشم امید به بمبهای آمریکای دوخته اند گفتند که کمونیستها در ۱۶ آذر فرصت طلبی کردند، گفتند چپ در جامعه و دانشگاه جایگاهی ندارد، گفتند جامعه مخالف انقلاب است و منتظر اصلاحات نوع خاتمی ویا دمکراسی آقای بوش است. گفتند اگر این احمدی نژاد نبود آقای سید خندان داشت خوب پیش میرفت. گفتند اکنون دفتر تحکیم وحدت جریان اصلی دانشگاه است. گفتند طرفداران سلطنت پادشاهی در ایران رو به قدرت گیری هستند. این تبلیغات هماهنگ اصلاح طلبان حکومتی و ناسیونالیستهای رنگارنگ از نوع قومپرستانه تا عظمت طلبانه آن در مقابل کمونیستها و چپ جامعه به میدان آمدند که جایگاه کمونیستها را کم رنگ کنند. اما در مقابل استقبال جامعه از چپها و کمونیستها همه اینها رنگ باختند. ۸ مارس یک محک دیگر بود که چپ قدرت و توان خود را تثبیت کند و این کار را کرد.

واقع بینهای طیف راست گفته بودند که شبح لنین در آسمان ایران در گشت و گذار است و هشدار داده بودند که چپهای "غیر دمکرات" دارند میدان را تسخیر میکنند. استالین را به لنین چسباندند و حاضر شدند به کائوتسکی رضایت بدهند تا مانع چپها و کمونیستها بشوند.

رسانه های خیلی "بیطرف" آمریکا و غرب هم که با هر دل درد یک آخوند کلی مصاحبه و گزارش تهیه میکنند، در مورد ۱۶ آذر طوری رفتار کردند که انگار در این مملکت کمونیستها سخنگو ندارند. راست پرو بوش را با جمهوریخواه قدیم چپ، در کنار هم قرار دادند که بگویند کمونیستها جایگاهی ندارند. جمهوریخواهی که برای حفظ ظاهر آورده بودند قرار بود نقش همان چپ سوسیالیست دانشگاهها را تخفیف دهد و حقانیت راست "دمکرات" پرو آمریکایی را بقبولاند.

دوم خردادی بچه آخوند که ولی نعمتش آخوندهای خندان بود اکنون به ناجی "دمکراسی" یعنی همان بوش پیغام میدهد که به جای حمله

ترتیب دادن مصاحبه و سخنرانی در مراکز معینی و یا زمینه سازی برای ساختن یک "رهبر جدید" وارد میدان میشوند دستشان رو میشود. و به حاشیه رانده میشوند. هر کدام از این "شخصیتها" که اگر در ایران علیه جناح رقیبشان نقی میزدند میتوانستند امیدی به احترام اطرافیان خود داشته باشند، با وارد شدن به آمریکا و دریافت برگه های تشویقی و اشنگتن همان اطرافیان هم از اینها رویگردان میشوند.

رستگارا، علی افشاری، گنجی، فراخور و رویا طلوعی و.... از این دسته هستند. انگار رسانه های آمریکایی و تشویقهای بوش آخرین آسی است که اینها میخواهند به آن مفتخر شوند. و جالب این است هر کدام از اینها به این بارگاه تشریف برده اند بعد از مدت کوتاهی اسمشان هم برای مردم تهوع آور میشود و به برگ سوخته ای تبدیل میشوند که کسی آنها را به بازی نمیگیرد.

اما چپ و کمونیسم در ایران ۱۶ آذر را نمیتوانست خلق کند مگر بر سکوی دستاوردهای نظری و تنوریک نزدیک به سه دهه قبل خود اتکا میکرد. بخش اصلی

چپ در جامعه با اتکا به پشتوانه قوی سیاسی- تنوریک دو دهه قبل که بدون شک منصور حکمت تدوین کننده اصلی آن و حمید تقوایی ادامه دهند آن بوده است، وارد میدان اصلی بازی سیاست در ایران شده است.

اگر ۱۶ آذر یکی از لحظات مهم این چپ در دانشگاهها بود ۸ مارس یکی دیگر از این مومننت ها شد که اینبار در ابعاد وسیعی در جامعه اتفاق افتاد. امسال هشت مارس در سراسر ایران یک روز مهم بود. امسال در مورد هشت مارس وسیع تر و اجتماعی تر از قبل صحبت شد. امسال خیابانهای



بسیاری از شهرها روز هشت مارس مملو از مردمی بود که آمده بودند، علیه بیحقوقی زن اعتراض کنند. ۸ مارس در دانشگاهها و مراکز شهرهای مختلف وسیعاً جشن گرفته شد و تاریخچه سوسیالیستی این روز یک بار دیگر به اطلاع جامعه و بخصوص نسل جوان رسید. شعار لغو حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی و بالابردن شعار آزادی و برابری برجسته تر از قبل به اهتزاز در آمد.

اما راستها در رابطه با ۸ مارس هم مثل ۱۶ آذر نتوانستند قبل از آن حرفی بزنند. در حین ۸ مارس هم راست پروغرب بر طیل چهارشنبه سوری کوید و راست ملی اسلامی مشغول روضه خواندن حول مقابله با آمریکا و نصیحت پسر عموهای خود در قدرت بود. ۸ مارس برای راست پروغرب و راست ملی- اسلامی دردسر آفرین تر از ۱۶ آذر شد. اگر در ۱۶ آذر در حاشیه میتوانستند دخالتی داشته باشند در ۸ مارس فقط سکوت کردند و برطبل چهارشنبه سوری "سنت ملی ایرانیان است" کوبیدند. چهارشنبه سوری و هر جشن و بهانه دیگر را حتماً باید جشن گرفت و

شادی کرد و رقصید و حجاب پرت کرد. اما هنگامی که این جشن در تقابل با ۸ مارس مطرح میشود، عمق زبونی و بی ربطی جریانات راست از هر نوعش در جامعه را نشان میدهد.

۸ مارس تنها به دلیل مراسم باشکوهش در جامعه نیست که چپ را در راس جنبش سرنگونی قرار داده است. بلکه قطعنامه ها و بیانیه های صادر شده به این مناسبت عمق رادیکالیسمی را نشان میدهد که جهت آینده حرکت جنبشهای اجتماعی را تصویر میکند. فعالین چپ و جنبش چپ در ابعادی اجتماعی در ۸ مارس ۱۳۸۵ با شعارها، پلاکاردها، قطعنامه ها و پرچمهای برابری طلبانه اش و با تحرکی که در جامعه ایجاد کرده است میبرد که اعتماد جامعه به خود را در ابعادی میلیونی جلب کند. ۸ مارس در ایران جایگاه جدی پیدا کرد و دستاوردهای ۱۶ آذر را به درجات زیادی تشبیت کرد. این پیشروی تا حدود زیادی کمونیستها را به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی قابل انتخاب کردن نموده است. خود این تحرك اجتماعی و مسئله حساس حقوق برابر برای زنان و علیه حجاب و تبعیض جنسی مسئله حقوق زن را به مسئله کل جامعه تبدیل کرده است.

جامعه ای که از آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی رنج میبرد. از سه دهه قبل پرچمداران مقابله با این تبعیض را دیده و ارج مینهد. آن بخش از چپهایی که هنوز در شک و تردید هستند که جامعه دارد چپ را به عنوان پرچم و آلترناتیو خود میپذیرد، باید چشمانشان را باز کنند و این حقیقت شور انگیز را در کلیت خود ببینند و برسمیت بشناسند. زیرا هر کسی که خود را با هر تعبیری چپ و کمونیست میدانند اگر در این مقطع زمانی نیاید و در این حرکت سهیم نشود حاشیه ای خواهد شد.

ما از چند سال قبل این اوضاع شور انگیز و به چپ چرخیدن جامعه را پیش بینی کرده بودیم. ما نوشتیم و جلد کردیم که جامعه به چپ چرخیده است، خیلیها باور نکردند و سیر رو به رشد این تحولات را ندیدند. اما امروز سرعت تحولات

چنان زیاد است که اگر کسی سوار این قطار نشود سرنوشتی بهتر از جریانات حاشیه ای پیدا نخواهد کرد و در نهایت ناچارند به کمپ راست نزدیک شوند.

اما سخنی با فعالین کمونیست: رفقا!

پرچمداران سوسیالیسم به پا خیز برای رفع تبعیض!

کمونیسم روشن بین و منتقد ناسیونالیسم و مذهب و مالکیت در هیچ تاریخی به این اندازه با افق و با اعتماد به نفس در ایران مطرح نبوده است. در هیچ تاریخی کمونیستها در زیر تیغ خفقان تا این حد در ابعادی اجتماعی پرچمدار تحولات عمیق نبوده اند. نسل جوان متفکرین و منتقدینی را در راس مبارزات جاری خود میبیند که مارکس و منصور حکمت را خوانده و به بخشی از خود آگاهی خود تبدیل کرده اند. این اتفاقات، تحول مهمی در تاریخ کمونیسم در ایران است. جنبش کمونیسم کارگری میبرد که پرچم لغو کار مزدی را در ابعادی اجتماعی به اهتزاز در آورد. این اتفاقی تاریخی است که در جامعه ایران میافتد. کمونیستها همیشه این شانس را ندارند. این یک مقطع زمانی ویژه است که شرایط آماده است ما کمونیستها نقش اصلی و تعیین کننده خود را بازی کنیم. به کمتر از کسب قدرت سیاسی نباید رضایت داد. این پیشروها اگر با این افق پیش برده شود قطعاً امید به آینده را صد چندان در دل جامعه زنده نگه میدارد. این بار نوبت ما کمونیستها و کارگران است. نوبت ما زنان و جوانان متفکر از حکومت اسلامی سرمایه و منتقد اوضاع و مناسبات تولیدی حاکم است. این راه را باید به سرانجام رساند. این یک وظیفه تاریخی چپ و کمونیسم در ایران است. به همه فعالین و دست اندرکاران برگزار می شود هشت مارس باشکوه و گسترده و اجتماعی امسال خسته نباشید میگویم و دست همه این عزیزان را به گرمی می فشارم. رفقا و دوستان اینرا باید جدی گرفت اگر نقش تاریخی مان را خوب ایفا کنیم این بار نوبت ما است. نوبت کمونیستهای کارگری.

۱۲۰ اسفند ۱۳۸۵

مراسم باشکوه روز جهانی زن در سردشت برگزار شد



مراسم داده بود. مراسم از ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه تا ساعت یک بعد از ظهر ادامه داشت. در این مراسم چند نفر از فعالین حقوق زن سخنرانی کردند و در میان شور و شادی شرکت کنندگان مورد استقبال قرار گرفتند. سخنرانان عبارت بودند از: آرزو احدیان، شیدا سلیمی، یوسف عباس زاده

در این مراسم سخنرانان علاوه بر سخنرانی در یک میزگرد در مورد بی حقوقی زنان در جوامع مختلف، ابعاد ستم بر زن و همچنین خشونت بر علیه زنان در خانواده و جامعه به تفصیل صحبت شد. یکی از موضوعات مورد بررسی این سمینار قتل‌های ناموسی بود. در ایران و در کردستان سالیانه تعداد زیادی زن و دختر قربانی قتل‌های

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز ۲۱ اسفند ۱۳۸۵ مراسم باشکوهی در شهرستان سردشت برگزار شد. در این مراسم بیش از ۴۰۰ نفر شرکت کردند. مراسم در محل سینمای قدیم برگزار شد. پلاکاردها و تراکنه‌های دفاع از حقوق زن همراه با مباحث پرشور و میزگرد دفاع از حقوق زن شور شوق خاصی به این

ناموسی میشوند و در این مورد در جامعه و در افکار عمومی کمتر بحث و مجادله صورت می‌گیرد، بررسی علل قتل‌های ناموسی و همچنین موضوع زن و قانون، زن و مذهب و زن و قومیت از مباحث جالب این میزگرد بود. در این سخنرانیها بویژه نقد و اعتراض تعدادی از سخنرانان که به نحو رادیکال و همه جانبه ستم بر زن را مردود اعلام کرده و از جهانشمولی حقوق زنان دفاع می‌کردند، با ابراز احساسات و تشویق وسیع مردم روبرو شدند. سالن این مراسم که در سینمای سابق شهر سردشت بود به شعارهای متعددی مزین شده بود از جمله: حقوق زن جهانشمول است، آزادی زن آزادی جامعه، به بی حقوقی زنان در جامعه و خانواده اعتراض کنیم و ...

برگزاری مراسم روز جهانی زن به

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به دست اندرکاران برگزاری مراسم هشت مارس در شهر سردشت تبریک می‌گوید و دست همه عزیزانی را که این مراسم باشکوه را سازمان دادند، به گرمی می‌فشارد.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مارس ۲۰۰۷**

تحصن کارگران اخراجی چندین کارخانه سنندج در مقابل استانداری

همراه خانواده هایشان در مقابل استانداری تحصن کردند. تا مقطع رسیدن خبر، تحصن همچنان پا برجاست بود.

نیروهای انتظامی و امنیتی تحصن کنندگان را محاصره کرده اند و مانع پیوستن بیشتر مردم به این تحصن شده اند. نمایندگان کارگران به سرپرستی شیث اشانی دبیر هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در داخل ساختمان استانداری در حال مذاکره هستند.

کارگران اخراجی خواهان بازگشت به کار یا بیمه بیکاری هستند. ما از همه کارگران و مردم سنندج می‌خواهیم که به این تجمع و تحصن بپیوندند. جزئیات این تجمع را در اطلاعیه‌های بعدی به اطلاع می‌رسانیم.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اسفند ۱۳۸۵
۱۲ مارس ۲۰۰۷**

کارگران اخراجی کارخانه های نساجی کردستان، شاهو، پریس و آلمین همراه با خانواده هایشان در مقابل استانداری کردستان دست به تحصن زدند.

۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر در این تحصن حضور داشتند. پلیس و نیروهای امنیتی و انتظامی کارگران را محاصره کرده و مانع پیوستن بیشتر مردم به این تحصن شده اند.

همچنانکه قبلا به اطلاع رساندیم کارگران معترض سنندج ۲۰ اسفند با راهپیمایی از اداره کار به استانداری رفتند و خواسته هایشان بی جواب ماند.

کارگران روز یکشنبه ۲۰ اسفند در تجمع شان تصمیم گرفتند که روز دوشنبه ۲۱ اسفند همراه خانواده هایشان در مقابل استانداری تجمع و تحصن را ادامه بدهند. کارگران اخراجی کارخانه های نساجی کردستان، شاهو، پریس و آلمین ساعت ۱۰ صبح دوشنبه ۲۱ اسفند

کارگران نساجی کردستان در مقابل اداره کار تجمع و به طرف استانداری راهپیمایی کردند

کارگران تصمیم گرفتند روز دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۸۵ همراه با خانواده هایشان در مقابل استانداری تجمع کنند.

تصمیم گرفتند که روز دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۸۵ همراه با خانواده هایشان در مقابل استانداری تجمع کنند. شرکت خانواده های کارگری در مبارزات کارگران قدرت کارگران را چند برابر می‌کند. این حرکت کارگران باید به یک امر همیشگی در اعتراضات کارگری تبدیل شود. نقش خانواده های کارگری در به پیروزی رساندن و قدرتمند کردن این اعتراضات نقشی اصلی و تعیین کننده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت قاطع از مبارزات کارگران اخراجی نساجی کردستان برای بازگشت به کار، از همه مردم سنندج و دیگر بخشهای کارگری می‌خواهد که این اعتراض و مبارزه کارگران نساجی را با شرکت خود در این تجمعات تقویت کنند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۲ اسفند ۱۳۸۵
۱۱ مارس ۲۰۰۷**

همیشه خواهان بازگشت به کار و یا بیمه بیکاری بوده اند. کارگران با شنیدن این خبر که دولت حتی حاضر به پرداخت وام هم نیست، تصمیم گرفتند به صورت راهپیمایی از اداره کار به استاندار ی بروند. بعد از راهپیمایی کارگران در جلو استانداری تجمع کردند و خواهان رسیدگی استاندار به خواست و مطالباتشان شدند.

مسئولین استانداری از کارگران خواستند که چهار نفر را تعیین کنند و با معاونت استانداری وارد مذاکره شوند. این تصمیم استانداری با مخالفت کارگران روبرو شد. کارگران اعلام کردند ما کسی را معرفی نمی کنیم مسئولین باید در جمع ما حاضر شوند. کارگران گفتند این نوع جلسات تا کنون نتیجه ای نداده است و حاضر به شرکت در آن نیستند. یکی از نمایندگان کارگران اعلام کرد اگر حرفی برای کارگران دارید بیایید در جمع کارگران بیان کنید.

در پایان کارگران معترض

در اطلاعیه قبلی به اطلاع رساندیم که روز ۲۰ اسفند ۱۳۸۵ کارگران نساجی کردستان در سنندج تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار بر پا و به طرف استانداری راهپیمایی کردند. این حرکت اعتراضی از جانب تعدادی از دیگر از کارگران اخراجی شاهو، آلمین و پریس مورد حمایت قرار گرفت. کارگران نساجی کردستان ابتدا در مقابل اداره کار "صندوق مهر" حضور یافتند. با مراجعه به این صندوق مسئولین اداره کار اعلام کردند که استانداری مسئول صندوق را اخراج کرده است. همچنانکه در اطلاعیه های قبلی به اطلاع رسانده بودیم قرار بود به ۱۰۰ نفر از ۴۰۰ نفر کارگران اخراجی نساجی هر کدام ۱۰ میلیون تومان وام اشتغال زایی پرداخت شود. در تصمیمات بعدی عدد ۱۰۰ نفر را به ۳۰ نفر تقلیل دادند و گفتند پرونده بقیه هنوز بررسی نشده و تا تصمیم نهایی در مورد آنها خبری از پرداخت وام نیست. این در حالی بود که کارگران

کارگران "نساجی کردستان" همراه با خانواده‌هایشان در مقابل استانداری کردستان تجمع کردند



راهپیمایی کارگران اخراجی و بیکار در سنندج سه شنبه ۱۲ اسفند ۸۵

خواهان ابقای کارگران اخراجی نساجی کردستان هستیم».

پس از حضور کارگران و خانواده‌هایشان در مقابل استانداری، ایلنا نوشته است: یکی از کارشناسان حوزه سیاسی در امر رسیدگی به مشکلات کارگران، در جمع کارگران حضور یافت و از آن‌ها پرسید «کار می‌خواهید یا وام».

سهرابی یکی از کارگران با صدای بلند فریاد زد: ما خواهان کار هستیم و می‌خواهیم مسئولان استان برای ما کار ایجاد کنند. این کارشناس در جواب این فرد گفت: قضیه را سیاسی نکنید که سهرابی گفت: اگر نان خواستن سیاسی کاری است، من سیاسی هستم. این کارشناس با تأکید بر غیر قانونی بودن تجمع کارگران، گفت: فقط دو نفر از نمایندگان برای مذاکره داخل استانداری شوند.

در ادامه این تجمع، شیث امانی، حسن زارعی و جبار خدا مرادی به عنوان نمایندگان کارگران قبول کردند با این کارشناس

حوزه سیاسی صحبت کنند.

پس از پایان مذاکرات، امانی در جمع کارگران گفت: این کارشناس، رئیس اداره کار را مسئول امور کارگران می‌داند و می‌گوید چون وی تفاهمنامه اداره کار و صندوق مهرضا را امضا کرده است، اگر نمی‌خواهد یا نمی‌تواند مشکل شما را حل کند، باید کتبی این موضوع را به استانداری اعلام نمایید، آنگاه استانداری پیگیر مشکلات شما خواهد بود.

جبار خدا مرادی دیگر نماینده کارگران می‌گوید: اگر استانداری پاسخگوی خواسته‌های کارگران نباشد با خانواده‌های خود به تهران و مقابل دفتر ریاست جمهوری می‌رویم.

وی می‌گوید: فقط خواهان نان، کار و مسکن هستیم و بس، ای کاش مسئولین فقط برای یک روز خود را جای ما کارگران می‌گذاشتند آنگاه شاید می‌توانستند وضعیت بحرانی زندگی ما را درک کنند.

زارعی دیگر نماینده کارگران می‌گوید: بیش از ۹۰ درصد پرداخت وام به کارگران متقاضی از طریق صندوق مهر امام رضا انجام شده بود، اما نمی‌دانیم چه کسی مانع پرداخت این تسهیلات شد.

با توجه به عدم پاسخگویی شفاف و روشن مسئولین استانداری، کارگران همراه خانواده‌های خود به صورت راهپیمایی به طرف اداره کار استان حرکت کردند و مقابل این اداره کل تجمع نمودند.

بر اساس خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است کارگران از استانداری راهپیمایی را به طرف میدان انقلاب و از این میدان به طرف میدان آزادی و خیابان ششم بهمن، سه راه ادب و بعد در مقابل اداره کار تجمع کردند. این تجمع تا رسیدن این خبر همچنان در مقابل اداره کار ادامه دارد. نماینده گان کارگران قرار است با مسئول ادارکار مذاکره کنند.

راهپیمایی امروز کارگران و خانواده‌هایشان در خیابانهای اصلی شهر با استقبال و تشویق مردم رویرو شد و مردم با خواندن شعار نوشته شده بر پلاکاردهایی که در دست کارگران و خانواده‌هایشان بود، آنرا تکرار میکردند و دیگران را تشویق میکردند به این راهپیمایی بپیوندند. حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت قاطع از مطالبات این کارگران معترض از مردم سنندج می‌خواهد به اعتراض و تجمع کارگران بپیوندند. بعد از ۸ مارس و ممانعت از برگزاری مراسم گرامی داشت روز جهانی زن در شهر سنندج، این تحرك کارگری فرصتی را ایجاد کرده است که مردم اعتراضات خود علیه حاکمیت سیاه رژیم اسلامی را گسترش دهند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اسفند ۱۳۸۵
۱۲ مارس ۲۰۰۷**

حزب از همه خانواده‌های معلمان، از کارگران و دانشجویان و همه مردم آزادیخواه کرمانشاه می‌خواهد قاطعانه از مبارزه معلمان حمایت کنند و با تمام قوا در تجمعات آنها شرکت کنند.

**دست نیروهای سرکوبگر
از سر معلمان کوتاه**

**حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مارس ۲۰۰۷
۱۲ اسفند ۱۳۸۵**

را روانه بازداشتگاه نیروی انتظامی کرده اند. علاوه بر سه نفر فوق آقای رضازاده یکی دیگر از معلمان کرمانشاه نیز مورد بازجویی قرار گرفته و بطور موقت آزاد شده است.

حزب کمونیست کارگری دستگیری معلمان کرمانشاه را محکوم میکند و آنها را فرامیخواند که برای آزادی همکاران خود به اعتراض ادامه دهند و روز چهارشنبه ۲۳ اسفند همراه با معلمان تهران دست به تجمع بزنند.

کرد، حال با توجه به تورم بسیار بالا چگونه می‌توان با حقوق ۱۵۰ هزار تومانی امرارمعاش کرد. کشورهای حوزه اسکاندیناوی فقط یخ دارند، اما وضعیت زندگی مردم آن‌ها خیلی بهتر از ماست که در کشورمان انواع معادن و منابع طبیعی وجود دارد.

یکی دیگر از زنان حاضر در تحصن امروز به ایلنا چنین گفته است: شوهرم دو ماه به دنبال جایی بود تا دست فروشی کند، اما نتوانست چنین جایی را پیدا کند. خانم میانسالی می‌گوید: پسرم سرباز و پوتین‌هایش پاره شده است، اما پول ندارم برایش پوتین بخریم. تجمع کنندگان امروز خواهان ایجاد شغل هستند و می‌گویند: در این ایام عید پول نداریم که حتی مایحتاج اولیه را فراهم کنیم، چه برسد به خرید کفش و لباس نو برای فرزندانمان. همسران کارگران پلاکاردهایی در دست داشتند با شعار «کار، نان، مسکن»، «کار جزء لاینفک زندگی»، «ما خواستار کار هستیم»، «ما

کارگران هنگامیکه جواب سربلای مقامات استانداری را شنیدند در خیابانهای اصلی شهر سنندج دست به راهپیمایی زدند.

در اطلاعیه‌های قبلی به اطلاع رساندیم که تجمع و تحصن کارگران بیکار و اخراجی سنندج بعد از چندین بار تجمع و اعتراض و مذاکره با مسئولین اداره کار و استانداری هنوز جوابی به خواسته‌های خود دریافت نکرده اند. کارگران اخراجی کارخانه نساجی کردستان، با خانواده‌های خود و همراه دیگر کارگران اخراجی از کارخانه های شاهو، پرریس و آلومین در مقابل استانداری تجمع کردند.

همسران و خانواده‌های کارگران از بیکاری و ناتوانی در پرداخت کرایه خانه، تامین هزینه‌های ناشی از تورم سرسام آور و ناتوانی از خرید نوروژی برای بچه‌هایشان ابراز نگرانی کردند. همسر یکی از این کارگران به خیرگزاری ایلنا گفته است: در سال ۶۸ با حقوق ۳۰۰ هزار تومانی به سختی می‌شد زندگی

۲۰۰۰ نفر از معلمان کرمانشاه در تجمع روز سه شنبه:

اگر معلمان زندانی آزاد نشوند، روز چهارشنبه دست به تجمع گسترده تر خواهیم زد

آزاد نشوند، روز چهارشنبه دست به تجمع گسترده تر خواهیم زد.

طبق گزارشات روز دوشنبه ۲۱ اسفند آقای صادقی از فعالین معلمان در کرمانشاه توسط نیروهای انتظامی دستگیر میشود. سایر اعضای کانون صنفی معلمان دسته جمعی مراجعه میکنند که علت

در اعتراض به دستگیری سه نفر از فعالین معلمان در کرمانشاه، روز سه شنبه ۲۰۰۰ نفر از معلمان این شهر در مقابل آموزش و پرورش گرد آمدند و نسبت به دستگیری همکاران خود اعتراض کردند و اعلام کردند چنانچه همکارانمان تا ساعت ۳ بعدازظهر روز سه شنبه

دستگیری را بپرسند. نیروهای انتظامی همانجا علی حشمتی و مهدی توکلی را نیز دستگیر میکنند. صادقی، حشمتی و توکلی چند روز قبل جزو سخنرانان تحصن ۳۰۰۰ نفره معلمان بودند. بازجویی از معلمان دستگیر شده در پشت درهای بسته انجام شده و سپس آنها

از صفحه ۱

فقر، کیهان شریعتمداری، ...

رهبری روزمره مبارزات مردم در داخل ایران و در جریان بودن و شکل و سازمان دادن لحظه به لحظه آن، کار ساده ای نیست.

برای اینکه آقای شریعتمداری را از نگرانی در آورده باشم به او میگویم که من هزینه های این حزب را تأمین میکنم، من به عنوان

کمونیست کارگری و ما به عنوان براندازان حاکمیت سرکوب و سانسور و فقر و جهالت شما، ما این هزینه ها را تأمین میکنیم.

نمیدانید چرا؟

به این تصویر نگاه کنید:

این تصویری از یک خانواده ۸ نفره است که به دلیل فقر و



کارگر، من به عنوان معلم، من به عنوان دانش آموز، من به عنوان زن، من بعنوان خانواده جانباخته، من بعنوان جوانی که بخاطر دوستی با جنس مخالفم شلاق خورده ام، من بعنوان کسی که از حکومت مذهب نفرت دارم، و ما به عنوان مردم به تنگ آمده از حکومت اسلامی در داخل و خارج ایران.

ما به عنوان دوستداران حزب

های مختلف سنی نیز انتشار دادند. نامعلوم بودن محل تأمین هزینه های رسانه ای و تبلیغاتی این گروهک زیانزد محافل مختلف است. گفته می شود هزینه ۲۴ ساعت وقت برای پخش برنامه تلویزیونی از ماهواره حداقل ماهی ۶۰ هزار دلار و خریدن به اصطلاح آنتن از ماهواره برای رادیو هم نیازمند حداقل ماهیانه ۱۵ هزار دلار است و این در شرایطی است که نه تلویزیون و رادیو آنها و نه نشریات متعددشان حتی یک ثانیه و یا یک سطر آگهی قبول نمی کنند، مخارج تبلیغاتی این حزب از کدام محل و از طریق کدام دولت یا کانون های قدرت پرداخت و تأمین می گردد؟

آقای شریعتمداری بر نکته مهمی انگشت گذاشته است، ایشان به قدرت حزب کمونیست کارگری ایران اعتراف کرده است. او درست میگوید، داشتن حزبی به وسعت حزب کمونیست کارگری با دهها سازمان و ارگان مختلف، با داشتن رادیو و تلویزیون ۲۴ ساعته، با داشتن تعداد زیادی نشریه و ماهنامه تئوریک و سیاسی، با

نداری، کرایه خانه اش را پرداخت نکرده و پلیس و سپاه پاسداران حکومت آقای شریعتمداری آنها را در خیابانها آواره کرده است، به اعتراف آمارهای خود جمهوری اسلامی، این تصویر نمای سمبولیک بیش از ۴۰ میلیون انسان در ایران است که هر روزه با فقر و نداری و بیکاری دست به گریبانند.

این در حالی است که ایران بر

دریایی از درآمدها و ذخایر زیر زمینی و نفت خوابیده است، این درآمدها نه به خاطر رفاه مردم، نه به خاطر پرداخت حقوق و دستمزدی که بتوان با آن زندگی کرد، نه بخاطر حقوق عقب افتاده کارگران و کارمندان، یا بیمه بیکاری و غیره بلکه به جیب سردمداران حکومت اسلام میرود، به جیب اقلیت مفتخور سرمایه دار و بورس باز و بانکدار و کارخانه دار و صراف و واسطه میرود، صرف نهادهای مذهبی و بیت رهبر و امامزاده ها و مراکز پرورش آخوند و آیت اله میشود، صرف تقویت هر روزه ارگانهای سرکوب و اطلاعات و حزب اله و چاقوکش و شکنجه گر و شلاق به دست میشود.

حزب کمونیست کارگری برای از بین بردن این نظام، این سیستم، یعنی سیستم سرمایه داری، سیستم استثمار و فقیر کردن و بیکار کردن و محروم کردن مردم مبارزه میکند، حزب کمونیست کارگری برای حذف ابدی چنین تصاویری از زندگی مردم و برای رهایی انسانها و ایجاد یک زندگی شاد و انسانی و در شان انسان تلاش میکند.

حزب کمونیست کارگری

متشکل از کمونیستهای قاطعی است که عزم جزم کرده اند به همراه میلیونها انسان به تنگ آمده از ۲۷ سال خفقان و سرکوب حاکمیت سیاه مذهبی در ایران پایان دهند. این حزب یک دم از این فعالیت باز نایستاده است. یک دم از نجات زنان زیر اعدام، کبرها و نازنین ها خودداری نکرده است، یک دم از دفاع از کارگر و معلم و زن و مردم محروم و زحمتکش کوتاهی نکرده است. یک دم از افشای جنایت حکومت آقای شریعتمداری، کوتاهی نکرده است.

سرمشاه، محبوبیت این حزب همینجا است. در تاریخ آن، در برنامه آن، در اهداف انسانی آن است. در داشتن چهره های خوشنام است. در داشتن یک رهبری قاطع و مصمم برای به گور سپردن حکومت سیاه و کثیف و جنایتکار شما است آقای شریعتمداری. پولش را هم همین مردم شریف تأمین میکنند. نگران ما نباشید! به شغلستان ادامه دهید که عمر چندی از حکومت تان باقی نمانده است.

اسفند ۸۵

معلمان خرم آباد با شعار سوسیالیسم پیاخیز برای رفع تبعیض

جامعه برداشتند. زنده باد سوسیالیسم، زنده باد جمهوری سوسیالیستی، زنده باد معلمان خرم آباد، پیروز باد مبارزه معلمان.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مارس ۲۰۰۷
۱۸ اسفند ۱۳۸۵

با سرنگونی حکومت اسلامی در کشور برقرار شود تا خوشبختی و آزادی و رفاه برای همگان عملی شود. معلمان خرم آباد با اینکار نقش مهمی در توده ای کردن این شعار، در بیان خواست عمیق و واقعی معلمان و همه محرومان

از نکات بسیار جالب و مهم تجمع بزرگ معلمان در تهران در روز ۸ مارس (۱۷ اسفند) حضور چندین پلاکارد با شعار سوسیالیسم پیاخیز برای رفع تبعیض بود که با امضای معلمان خرم آباد به اهتزاز درآمده بود.

سوسیالیسم چکیده همه خواسته های معلمان و همه مردم زحمتکشی است که این بساط را نمیخواهند، استثمار نمیخواهند، نابرابری و تبعیض و فقر و محرومیت و بیحرمتی و بیحقوقی نمیخواهند. حکومت سرکوب و اسلامی و عقب مانده و ضدکارگر و ضدزن نمیخواهند. سوسیالیسم تنها راه رهایی مردم از شر این نظام نکبت بار است. جمهوری سوسیالیستی نظامی است که باید



در مورد نقض مکرر موازین حزبی توسط رفقای فراکسیون

نمی‌توان شروع به عملی کردن سیاست‌های رد شده توسط ارگانهای حزب در جامعه کرد. تناقض این کار با فعالیت در چهارچوب حزب آشکارتر از آن است که احتیاج به توضیح داشته باشد.

اینها چارچوب عمومی فعالیت همه روزه‌ای است که مشغله اصلی دست اندرکاران فراکسیون را تشکیل می‌دهد. این فعالیت برای تبدیل حزب به "رهبر-سازمانده" نیست، فعالیت برای بی اعتبار کردن حزب است. رفقا مشغول جنگ فرسایشی علیه حزب هستند و متأسفانه با افتراهای آشنای زرادخانه تبلیغات جنگ سردی به جنگ با حزبشان آمده‌اند. از این آشکارتر نمیتوان ابتدائی‌ترین موازین حزب را، که کادرهای حزب و بویژه اعضای کمیته مرکزی را موظف به رعایت آن می‌کند، زیر سؤال برد.

تبلیغات امروز رفقا در همان جهتی است که قبلاً اسماعیل مولودی (نوید بشارت) پرچم آنرا با لجن پراکنی‌های تهوع‌آور علیه حزب بلند کرده بود. اکنون بر همه روشن میشود که برخوردی حمایت‌آمیز و توجیه‌گرانه بعضی از رفقای تشکیل‌دهنده فراکسیون به عملکرد ضد حزبی اسماعیل مولودی و تمجیدها و به عرش‌اعلی رساندن‌های او یک موضع حقوقی

همین بحثها را در جامعه ادامه میدهند. اعضای یک کمیته مجاز به تبلیغ علیه مصوبات کمیته متبوعه خود نیستند. حزب سازمانی برای اجرای سیاستها و نقشه عملیهای مصوب است و نه کلویی برای بحثهای بی‌انتها در مورد آنها!

القای شبهه و شائبه پراکنی و افترا زنی علیه ارگانهای رهبری حزب، رفقا مکانیزم‌های مشروع حزب از جمله مکانیزم رای‌گیری برای ارگانهای رهبری را نمی‌پذیرند و آنرا حذف و جراحی تشکیلاتی مینامند و از ارگانهای رهبری، پلنومها و حتی از کنگره‌ای که هنوز تشکیل نشده است تصویری توطئه‌گرانه میدهند. اینها همه افتراهائی بی‌پایه و اساس است و جز تبلیغات جنگ سردی علیه حزب و کمونیسم، آنهم "از درون"، نام دیگری نمیتوان بر آن نهاد.

فعالیت سیاسی مغایر و مخالف با سیاستهای مصوب حزب در جامعه، این نقض بارز حرزیت، و حزب در حزب ساختن است. نمیتوان تحت عنوان فراکسیون شروع به فعالیت سیاسی مستقل در جامعه کرد. رفقا حتی در مواردی مشغول عملی کردن سیاستهایی در جامعه هستند که توسط دفتر سیاسی یا هیئت دبیران حزب رد شده است. میتوان مخالف سیاست تصویب شده‌ای بود و آنرا تبلیغ نکرد، اما

اعضای فراکسیونی که خود را "اتحاد کمونیسم کارگری" مینامند در نوشته‌ها و جلسات شفاهی شان ادعا میکنند که موازین حزبی را نقض نکرده‌اند. این ادعا تماماً بی‌پایه است. هر کس نوشته‌ها و گفته‌ها و فعالیت‌های رفقا و بطور مشخص چند نفر از اعضای بنیانگذار فراکسیون را دنبال کرده باشد، نمونه‌های زیادی از زیر پا گذاشتن پایه‌ای‌ترین اصول حزبی را مشاهده کرده است. مهمترین این موارد چنین است:

انتشار علنی اسناد درونی کمیته مرکزی. رفقا بدنبال پلنوم سندی را که هنوز حتی مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای حزب هم از آن مطلع نبودند علنی کردند. و بعد از یادآوری و انتقاد، شانه بالا انداختند و خطای آشکار خود را توجیه کردند. این زیر پا گذاشتن آشکار موازین حزب است.

تبلیغ علیه سیاستهای مصوب کمیته مرکزی. رفقا علیرغم قرارهای اکید حزبی، علیه مصوبات کمیته مرکزی، که خود عضو آن هستند، دست به تبلیغ می‌زنند. یک تم اصلی بحثهای رفقا در نشریه شان نقد و مخالفت با مصوبات پلنوم اخیر است. رفقا استدلال‌ات و دلایل خود علیه این اسناد را در پلنوم مطرح کردند و اکثریت قاطع کمیته مرکزی آنرا نپذیرفت و اکنون رفقا

هرگونه برخورد انضباطی به این رفقا، علیرغم همه موارد متعدد نقض موازین حزبی توسط آنها، خودداری کرده است. رهبری حزب امیدوار بود که مساله را سیاسی نگهدارد و سیاسی حل کند و از هیچگونه تلاشی در این راستا خودداری نکرد. در آخرین پلنوم کمیته مرکزی، پلنوم ۲۷، نیز حمید تقوایی راهی اصولی برای کار متحد حزبی در مقابل آنها گذاشت اما متأسفانه رفقا این فرصت را هم از دست دادند.

رهبری حزب فراکسیون را به رسمیت نمی‌شناسد، اما از هر نوع برخورد انضباطی بخاطر ایجاد فراکسیون خودداری کرده و خودداری خواهد کرد و اینرا بارها اعلام کرده است. اما نقض موازین حزبی و افترا زنی و تبلیغات جنگ سردی علیه حزب را، که نمونه‌هایش فوق‌ذکر شد، از جانب هیچ عضو و کادر حزب تحمل نمی‌کند. حزب اجازه نمیدهد بیش از این پرنسیپهای حزبی زیر پا گذاشته شود.

حزب رسماً از این رفقا میخواهد که به فعالیت‌های ضد حزبی و ضد موازین و اصول حزبی سریعاً پایان دهند. ادامه وضعیت کنونی و فعالیت تخریبی رفقا علیه حزب نه بیش از این قابل تحمل است و نه به نفع خود آنها است.

اصغر کریمی
رئیس هیئت دبیران
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مارس ۲۰۰۷

نبوده است، بخاطر عشق به حقوق فردی و دفاع از برائت و حرمت افراد نبوده است، بلکه از یک موضع سیاسی مشترک نشات می‌گرفته است. آنچه رفقا امروز علیه حزب می‌گویند و بر قلم جاری میکنند، از نظر مضمون فرق چندانی با لجن‌نامه‌های اسماعیل مولودی ندارد.

رفقا به عبث سعی میکنند تبلیغ علیه حزب، تصویر منفی دادن از حزب و سازماندهی پراتیک مجزا و متفاوت از حزب در جامعه را بیان اختلاف سیاسی معرفی کنند! این توجیحات آشکارتر از این است که هرکس آشنائی اندکی با کار تشکیلاتی در یک حزب و حتی در یک سازمان فعالیت جمعی داشته باشد بپذیرد. هر ناظر بیطرفی که فعالیت و نوشته‌های رفقا را دنبال کند تقابل هرروزه سیاسی و تشکیلاتی رفقا با حزب و ضربه زدن آنها به حزب را بعین مشاهده میکند. این ادعا که موازینی را نقض نکرده‌اند، به یک شوخی شبیه است. در حزب کمونیست کارگری بیش از هر سازمان سیاسی در طول تاریخ جامعه ما امکان بیان نظرات و اختلافات سیاسی وجود دارد اما تبلیغ روزمره علیه سیاست‌های حزب توسط کادرهای آن، بطریق اولی اعضای کمیته مرکزی آن، مجاز نیست. افترا زنی و شائبه پراکنی مجاز نیست. درست کردن حزب در حزب مطلقاً مجاز نیست. حزب "تعدد عمل" قابل تحمل نیست، و ممکن هم نیست.

رهبری حزب تا این لحظه از

تجمع کارگران نساجی کردستان در مقابل اداره روابط کار استان

عمومی خود بلافاصله تصمیم گرفتند که اگر این وام در موعد تعیین شده پرداخت نشد روز پنجشنبه دوباره در مقابل این اداره تجمع خواهند کرد. تجمع کارگران ساعت یازده و نیم ظهر روز سه‌شنبه به پایان رسید.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اسفند ۱۳۸۵

کردند. تجمع روز سه‌شنبه کارگران اخراجی نساجی کردستان در مقابل اداره روابط کار استان بود. بعد از تجمع کارگران مسولین این اداره با نمایندگان کارگران وارد گفتگو شدند و قول دادند که تا پنجشنبه وام ده میلیون تومانی که قرار است به کارگران داده شود پرداخت گردد.

کارگران در پایان این مذاکرات با مسولین روابط کار، در مجمع

بر اساس خبری که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری رسیده است کارگران نساجی کردستان روز دوشنبه بعد از مذاکره با اداره کار و بی نتیجه ماندن مذاکراتشان با مسئول این اداره، تصمیم گرفتند روز سه‌شنبه ۲۲ اسفند برای سومین روز متوالی تجمع کنند.

روز سه‌شنبه کارگران نساجی برای سومین روز متوالی تجمع

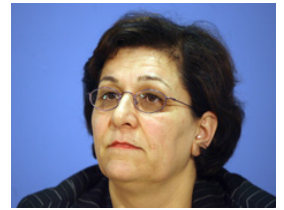
برنامه‌های زنده تلویزیون انترناسیونال

برنامه‌های انترناسیونال همه روزه، تا راه افتادن تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در شبکه‌های هات برد، از ساعت ۴ و نیم تا ۵ و نیم عصر به وقت تهران (۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی، ۵ تا ۶ صبح به وقت لس‌آنجلس) از کانال یک پخش میشود.

شماره تلفن تماس با ما: ۰۰۱۳۲۳۲۸۴۴۲۸۲

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اسفند ۱۳۸۵، ۸ مارس ۲۰۰۷

بهار تنها کسی نبود که تبریک گفت! کمپین "من از مذهب روی برگردانده ام" و تکان اجتماعی بزرگ در آلمان



مینا احدی

نامه ای علنی از بهار ۱۹ ساله پیش از هر چیز در روزهای گذشته که برای ما روزهای مهمی بوده، مرا تحت تاثیر قرار داد.

او نوشت: بهار اسم مستعار من است دختری هشتم جوان از ترکیه، که در اینجا بزرگ شده ام. اگر مرا در خیابان دیدید که با یک روسری بزرگ بر سرم در حال رفت و آمد هستم، مرا جزو مسلمانان حساب نکنید، چرا که مدتی است که از مذهب اسلام دست کشیده ام. این پروسه برای من ساده نبود، خیلی فکر کرده و خیلی کتاب خوانده و خیلی با خودم درگیر شده ام. در نهایت گفته ام، من از اسلام دست میکشم. ولی هنوز روسری بر سر به مدرسه و به خیابان میروم، چرا که از پدر و برادرانم وحشت دارم. الان در یک کتابخانه نشسته و این نامه را مینویسم. به مینا و به بقیه بگویید دستتان درد نکند. من الان احساس میکنم که تنها نیستم. ولی نباید بیش از اینها از خودم بگویم چرا که میترسم لو بروم و اگر پدرم بفهمد من دیگر مسلمان نیستم، ممکن است مرگ را جلو روی خودم ببینم.....

و در یک سایت اینترنتی سکولاریستها این نامه درج شد و نامه های پدیی که از دوستان آلمانی و یا غیر آلمانی بود، همگی بهار را همچون انسانی دوست داشتنی در حلقه محبت خود گرفته و به او گفته بودند، ما با تو هستیم، اگر مشکلی داشتی میتونی به ما زنگ بزنی، اگر دنبال خانه هستی با ما تماس بگیر. بهار جان تو در قلب همه ما جا داری

.....
و من آن شب با خیال راحت خوابیدم چرا که يك تابو در ابعادی اجتماعی و در مقابل چشم میلیونها نفر شکست!

من از مذهب رویگردانم! کمپینی که در آلمان بر اساس يك سنت بسیار معروف در این کشور، یعنی کمپین زنان در سال ۱۹۷۱ با عنوان "من سقط جنین کرده ام" طرح ریزی شد و بعد از یکسال جلسات مکرر و سازمان یابی اولیه بالاخره در تاریخ ۱۲ ماه فوریه از طریق مجله معروف فوکوس علنی شد.

سه ساعت بعد از علنی شدن این کمپین، زندگی ما کسانی که عکس و هویت خود را علنی اعلام کرده و گفته بودیم، من از مذهب و اسلام دست کشیده ام، به نوعی تغییر کرد. موجی از تلفنها و ابراز محبت ها، تماس های مکرر رسانه ها و مطبوعات و بالاخره بخش کوچکی از تماسها به باندهای تروریست اسلامی متعلق بود که تهدید میکردند.

در همان روز ۱۲ فوریه ۳۶ شبکه خبری تقاضای مصاحبه کردند. ما همه را به ۲۸ فوریه روز کنفرانس مطبوعاتی خودمان حواله میدادیم. ولی کنترل از دست ما خارج بود و مطبوعات شروع کردند به نوشتن و ما هم بتدریج مصاحبه هایی را انجام میدادیم. قبل از ۲۸ فوریه دهها روزنامه و شبکه اینترنتی این کمپین را معرفی کردند. و قبل از ۲۸ فوریه در مورد زندگی ما و فعالیتهای ما و انگیزه ما برای اعلام این کمپین بسیار صحبت شد.

دو روز بعد از مطلب فوکوس، رئیس بزرگترین سازمان اسلامیهها در آلمان که يك نفر آلمانی مسلمان شده است، مجبور شد به سوالات خبرنگاران در مورد ما پاسخ بدهد. و او گفت طبعاً هیچ مذهبی از

اینکه او را ترك کنند، خوشحال نمیشود ولی ما به آزادی مذهب اعتقاد داریم و این جنبه های مثبت و منفی دارد و اینها از جنبه منفی آن استفاده کرده اند!!

کنفرانس مطبوعاتی ۲۸ فوریه و بمبی که در وسط جامعه منفجر شد!

محل کنفرانس مطبوعاتی در پارلمان آلمان است. خانه مطبوعات در پارلمان، امروز بسیار شلوغ است. دم در کنترل افراد و بررسی امنیتی آنها بسیار طول میکشد و در نهایت با کمی تاخیر کنفرانس آغاز میشود. نماینده بیش از ۱۰۰ شبکه خبری بین المللی و آلمانی در محل حضور دارند. من و آرزو توکر و میکائیل اشمیت سالمون قرار است سخنرانی کنیم.

بارها جلسه گرفته ایم و گفته ایم کیه هریک از ما باید چه بخشی را مطرح کند. و من در این جمع مشتاقان که لحظه به لحظه از ما عکس میگیرند و تا قبل از شروع کنفرانس با شش شبکه خبری مصاحبه کرده و سوالات آنها را شنیده ام، با خودم میگویم اینها آمده اند که اعلام جنگ ما با اسلام سیاسی و سازمانهای اسلامی را بشنوند، پس بهتر است از روی نوشته نخوانم. من باید این اعلام جنگ را بکنم.

میکائیل اشمیت سالمون فیلسوف و یک آتیست و اومانیتست معروف در آلمان، از سازمان جردانو برونو یک سازمان سکولاریست آلمانی در ابتدا به همه خوشامد میگوید و اعلام میکند که کنفرانس مطبوعاتی ما با سخنرانی مینا احدی مسول این سازمان آغاز میشود. و من از جای خودم بلند میشوم و هر آنچه که سالهای سال در دلم انبار شده را میگویم. مباحثات مشمژکننده دولت آلمان با اسلام

سیاسی در اینجا و در سطح بین المللی دست دوستی دادن اینها با جمهوری اسلامی ایران و سیاست مهر زدن به انسانها و رها کردن اینها در دست باندهای تروریست اسلامی و سپس تشکیل کنفرانس اسلام با این سازمانها را برای انتگراسیون و غیره به تندی نقد میکنم. من به طرف سازمانهای اسلامی برگشته و اعلام جنگ محکمی را با اینها میکنم. در آنجا میگویم اگر بارها و بارها به هر کسی که از ایران و عراق و افغانستان و ترکیه به اینجا آمده مهر مسلمان زده و سه و نیم میلیون نفر را با زدن مهر اسلامی دو دستی تقدیم سازمانهای اسلامی میکنید. من به خودم اجازه میدهم اینجا يك مهر بزنم. مهر باطل به همه سازمانهای اسلامی در آلمان، من میگویم تاریخ مصرف اینها پایان یافته است! و خبرنگاران تك و توك دست میزنند. چرا که بنا به تعریف حق ندارند، تشویق کنند!

بعد از من آرزو توکر سخنرانی میکند، آرزو نویسنده و مترجم و فردی بشدت ضد مذهب است. قبلاً در تلویزیون سراسری آلمان کار میکرده و اکنون معاون سازمان جدیدی است که اعلام موجودیت کرده است. او میگوید همانگونه که نیچه گفت، خدا مرده است و خدا به ترکی یعنی الله، من میگویم الله مرده است. و سخنرانی خود را با ذکر مثالهایی از رشد جریانات اسلامی در آلمان و دخالت آنها در زندگی مردم ادامه میدهد.

اشمیت سالمون آخرین سخنران است و در مورد چگونگی پیشرفت پروژه "من از مذهب رویگردانم" و یکسال فعالیت ما یعنی سازمان بین المللی بی خدایان، کمیته بین المللی علیه سنگسار، سازمان جردانو برونو و سازمان رها شدگان از مذهب حرف میزند و اینکه در صف اول این مبارزه در آلمان زنان ایستاده اند.

دو ساعت بعد از کنفرانس مطبوعاتی، شبکه سراسری خبر آلمان مینویسد: مسئولین سازمان جدید "ما از اسلام روی برگردانده

ایم" به سازمانهای اسلامی اعلام جنگ کردند! و این تیتیر بسیاری از روزنامه ها میشود و روز بعد "برلینر تسایتونگ" و اشپیگل آنلاین و بسیاری دیگر از همین تیتیر استفاده میکنند.

کنفرانس مطبوعاتی سه ساعت طول میکشد و همه تا آخر نشستند و بعد از کنفرانس هم مصاحبه هایی متعددی انجام میدهم. از همه کسانی که با این کمپین کار میکنند و در سالن حضور دارند، دعوت میشود به جلوی صحنه آمده و عکس بگیرند و به سوالات جواب بدهند. مصاحبه های به زبان عربی، فارسی، ترکی، انگلیسی و آلمانی در جریان است.

و بدین ترتیب تاریخ برخورد به سازمانهای اسلامی در آلمان ورق میخورد. از ۲۸ فوریه به بعد دیگر هیچ آخوند و مرتجع اسلامی حق ندارد خود را نماینده میلیونها نفر جا زده و از حمله به آزادی بیان دفاع کند. تا امروز کسی از این صف ارتجاعی جرات نکرده چیزی بگوید.

و این يك گام بزرگ به پیش در آلمان است. در این دوره کوتاه که سرمان بسیار گرم بوده و روزانه چندین مصاحبه کرده و با مسائل متعددی دست و پنجه نرم کرده ایم، حرفهای زیادی دارم که باید گفته شود. ولی بقیه حرفها را به بعد موکول میکنم. همین جا باید بگویم يك تابو شکست و يك غول از شیشه رها شد. و این بسیار به نفع جنبش دفاع از حقوق و حرمت انسانی است. دیروز نامه ای دیگر از يك

پسر جوان دریافت کردم که گفته بود، پدر و مادرم از ترکیه هستند و من در خلوت خودم و با طرح سوالات متعددی از جمله دفاع قران از قتل و شکنجه افراد، به نقد این مذهب پرداخته و از آن دست کشیده ام، اسم مرا در لسیت سازمانمان خودتان ثبت کنید. و این نامه ها به صدا رسیده است.....

مینا احدی
۱۲ مارس ۲۰۰۷
minaahadi@aol.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دو نفر از بازداشتیهای ۸ مارس سندج دست به اعتصاب غذا زده اند

فردی زندانیان برای نجات خودشان باشد. زندانیان سیاسی به جرم عقایدشان و مخالفت شان با رژیم اسلامی و دفاع از حقوق مردم به زندان برده میشوند. این وظیفه جامعه و همه احزاب و سازمانها و انسانهای آزادیخواه است که برای آزادی همه زندانیان سیاسی تلاش گسترده و متجددی را سازمان بدهند. نباید اجازه بدهیم که زندانیان در مقابل رژیم هار اسلامی احساس تنهایی کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم سندج را فرامیخواند که برای آزادی فوری و بدون قید و شرط این زندانیان به میدان بیایند. خانواده های این زندانیان را کمک کنند و با حمایت خود از آنها رژیم اسلامی را ناچار به آزادی این عزیزان نمایند. زندانیان سیاسی فوری و بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
ایران
۱۳۸۵ اسفند ۲۲
۱۳ مارس ۲۰۰۷**

همچنانکه قبلاً به اطلاع رسانیدیم سه نفر از بازداشتیهای سندج پیمان نعمتی، آسو صالح و وریا تین هوز آزاد شده اند. طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است بینی وریا تین در زیر شکنجه شکسته شده و پیمان نعمتی و آسو صالح از روز دوشنبه ۲۱ اسفند دست به اعتصاب غذا زده اند.

تلاش خانواده های این زندانیان تا کنون نتیجه ای ن داده است. روز دوشنبه به خانواده پیمان نعمتی اعلام شد که در دادگستری سندج پیمان را دادگاهی میکنند. اما این خبر فقط يك ترفند بود که خانواده ها را منتظر نگهدارند.

اکنون با خبر اعتصاب غذای این دو زندانی، بیش از پیش جان آنها به خطر افتاده است. توصیه ما این است که زندانیان اعتصاب غذا نکنند. زیرا این تاکتیک عملاً نشان داده است که دست رژیم را باز میگذارد تا زندانیان را با این شرایط سخت جسمانی تا سر حد مرگ نگهدارد و متأسفانه تا کنون مواردی ما شاهد مرگ این عزیزان بوده ایم.

اما جامعه نباید منتظر اقدامات

نیروهای سرکوب مانع تجمع امروز معلمان در تهران شدند معلمان تهران و شهرستانها از ابتدائی تا دیرستان امروز در اعتصاب بودند

نفر امروز در مقابل مجلس دستگیر شدند. طبق این گزارش محمود بهشتی، باغانی، بداعی، نوراله اکبری و اکبری پروشه از کانون بازنشستگان از جمله دستگیر شدگان امروز هستند.

گزارشگر حزب میگوید در شهرستانها نیز امروز مدارس در اعتصاب بوده است. اعتراض معلمان چنان قدرتمند است که رژیم علیرغم هم دستگیریها و تهدیدهای روزهای گذشته نتوانسته است مانع تداوم آن شود.

جزئیات بیشتر مربوط به تجمع امروز را در اطلاعیه های بعد به اطلاع خواهیم رساند.

**حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ مارس ۲۰۰۷
۱۳۸۵ اسفند ۲۳**

سرکوب به تجمع حمله کردند و با دستگیری تعدادی از معلمان، آنها را پراکنده کردند.

نیروهای سرکوب دو به دو با باتوم به فاصله چند متر و لباس شخصی ها با لباس های چرمی و سیاه رنگ همه جا حاضر بودند. تعداد ماموران سرکوب به چند هزار نفر تخمین زده میشود. تعداد زیادی از معلمان همراه با اعضای خانواده خود و مردمی که برای حمایت خود را به بهارستان و اطراف میرساندند با سد نیروهای سرکوب مواجه میشدند.

گزارشگر حزب میگوید در ساعت حوالی ده و نیم صبح تعدادی از معلمان را که دستگیر کرده بودند با زور به داخل ساختمانی مقابل مجلس میکشانند و داخل سالن پر از مزدوران لباس شخصی بود. طبق گزارش کانون صنفی معلمان دهها

معلمان تهران امروز دست به اعتصابی گسترده زدند تا در تجمع میدان بهارستان شرکت کنند اما حضور هزاران نفره ماموران سرکوب حکومت مانع تجمع معلمان شد.

از اوایل صبح امروز هزاران نفر از نیروهای سرکوب رژیم اعم از نیروهای انتظامی و پلیس و لباس شخصی میدان بهارستان و تمام خیابانهای منتهی به مجلس تا شعاع يك كيلومتر را قرق کردند تا مانع تجمع معلمان شوند. با اینهمه حدود دو هزار نفر از معلمان موفق شدند تجمعی برگزار کنند و دست به راهپیمائی بطرف ساختمان وزارت آموزش و پرورش زدند و یکی از معلمان در سخنرانی خود بر خواستهای معلمان تاکید کرد و گفت ما حقوق و زندگی امن میخواهیم نه کتک، معلمان خشمگین نیز شروع به شعار دادن کردند. اما نیروهای

علیه وضعیت موجود شعری از عابد توانچه

صف دوم

از سپر کردن سینه هاشان در جلوی دژخیمان از کوبیدن مشت بر درفش نهراسیده اند جلورفته اند بی هیچ نیازی به نفرین این و آفرین آن در صف اول اما اما ... بودن در صف اولی که پشتی ندارد چه هول انگیز است چه پر شویش است صفها باید که پس و پشتی داشته باشند پس و پشتی از مردم موج موج آگاهی آگاهی قهر و اندیشه آری هرگز دشنه و فشنگ بر تن موج نخواهد نشست باد بوی باروت را با خود خواهد برد طوفان غرش مسلسلها را به سخره خواهد گرفت تن موج گلوله ها را در خود خواهد بلعد و دریای طوفانی را اندیشه آرام خواهد ساخت.	مصونیت از برابری از آزادی از انسان بودن اینجا در این گوشه از زمین گارگران با چهره های معمولی با دستهایی زمخت با پیراهنهایی غرق در عطر عرق برای يك سال و اندی حقوق پرداخت نشده به زندان می افتند مزدوران حکومت با تیغ زبان کارگران مترض را می برند اینجا پچه های شش ساله ی کارگران به جای نان شب گاز اشک آور می خورند اینجا زنان کارگران به جای بستر همسرانشان در بستر سلولهای استبداد می خوابند اینجا در این گوشه از زمین مهربان مردم این گوشه از خاک يك رنگ جهان _ که تنها بیشتر می شناسمشان _ هراسانند خوشند خشمگینند سر خورده اند محتاج آگاهیند *** همیشه در هر لحظه مردان و زنانی بوده اند که هرگز	نژادتان تمامت باید ها و نیاید هاتان ... تمام زنجیرهای اسارت گوارای شما من دنیای دیگری را می خواهم. *** اینجا در این گوشه از زمین در زمانی که بعدها همگان از بزرگی مبارزانش و حماسه های حماسه سازانش یادها خواهند کرد زن که برهنه ترین مخدر دردهای دنیای سرمایه داری است به حکم بزرگترین دروغ تاریخ دروغ پنهان شده در پس آسمان آبی در پرده های زخیمی از جهالت اسیر گشته است اینجا در این گوشه از زمین به بهانه ی لغزش مردان زنان را به اسارت کشیده اند اینجا در این گوشه از زمین زن را با حجاب مصون کرده اند اما نه از باتوم نه از کتک نه از افرادی نه از گرمای نفس بازجوی مذکر در پشت گوش نه از تجاوز ... آری حجاب يك مصونیت است	قانون این جهان خواهد بود قانون دنیای ما برابری برابری ... برابری انسان با انسان زن با مرد برابری در سختی در کار در سیری شکم برابری انسان با زمین خاکی با آسمان آبی *** آزادی کلمه بزرگیست آزادی رحم باروریست اما نطفه ی چرکینی درون آن کاشته اند که هستی مردمان و زیبایی آزادی را بر باد داده است آزادی صنایع آزادی یغماگری آزادی توحش آزادی بربریت آزادی آزاد نبودن! دنیایتان را نگه دارید من می خواهم پیاده شوم سرزمین « من » بیکرانه ی « ما » ست مذهبتان برای خودتان ملیتتان	اگر انسان ستیزی و طمع هرچه بیشتر بر هستی دیگران پایان تاریخ است دنیا مدتهاست که در پایان خود درجا می زند اگر هرزگی عشق نابودی زمین گرسنگی گرسنگان و تیره بختی انسان پایان تاریخ است مدتهاست که بر گور تاریخ غبار نشسته است پایان تاریخ کثیفان برای خودتان زیر و زیر تمام نکبتهایی که ساخته اید برای خودتان طنزازی ها و عشوه گری های این عفریت ارزانی خودتان ما سر به شورش بر خواهیم داشت علیه وضعیت موجود علیه تمام آنچه ساخته اید برای تمام آنچه که ویران کرده اید برای تمام آنچه که از ما گرفته اید این پایان تاریخ شماس خرد شدن استخوانهای دنیای شما در زیر چرخ ارابه ی اراده ی ما شک نکنید این پایان دنیای شماس روزی خواهد رسید که برابری و آزادی حقیقی
--	--	---	---	---